حقوقی که فطرت به آن دعوت داده و شریعت آن را پذیرفته است

شركاء التنفيذ:



دار الإسلام



جمعية الربوة


رواد الترجمة


المحتوى الإسلامي

Telephone: +966114454900
ceo@rabwah.sa
P.O.BOX: 29465
RIYADH: 11557
www.islamhouse.com

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

إن الحمد لله، نحمده، ونستعينه، ونستغفره، ونتوب إليه،ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيّئات أعمالنا،من يهده الله فلا مضلّ له،ومن يضلل فلا هادي له،وأشهد أن لا إله إلّا الله وحده لا شريك له،وأشهد أن محمّدا عبده ورسوله،صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان وسلم تسليما.

و بعد: یکی از فضائل و خوبی های شریعت الله متعال، رعایت کردن عدالت، و سپردن حق برای صاحبش بدون زیادت و نقصان است.الله متعال به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان امر فرموده، و با عدل رسولان را فرستاده است، و کتابها را نازل فرموده و امور دنیا و آخرت بر آن قرار داده است.

و عدل این است که برای هر صاحب حقی حقش داده شود، و هر کس در جایگاه مناسب اش قرار داده شود، و این کار صورت نمیگیرد جز با شناخت حقوق تا به صاحبانش عطا گردد، و به همین سبب این کلمه را در بیان مهم آن حقوق به رشتهٔ تحریر در آوردیم؛ تا بنده آنچه را که از آن آموخته است تا قدر ممکن عملی نماید، و خلاصهٔ آن قرار ذیل است:

1- حقوق الله متعال.

2- حقوق پیامبر صلی الله علیه وسلم.

3. حقوق پدر و مادر.

4- حقوق فرزندان.

5- حقوق نزدیکان.



6- حقوق زن و شوهر.

7- حقوق حاكمان و رعيت.

8- حقوق همسايه گان.

9- حقوق عام مسلمانان.

10- حقوق غير مسلمانان.

اينها حقوقى هستند كه ما مي خواهيم به برخى از آنها بپردازيم و بگونهٔ مختصر بحث نماييم.

*

حق نخست: حق الله متعال

این حق سزاوارترین و واجب ترین و بزرگترین حق است؛ زیرا این حق الله متعال، خالق بزرگ و مالک و تدبیر کنندۀ همه امور است، حق پادشاه مبین و زنده و قیومی که که آسمان ها و زمین توسط بر آن برپا شده است، همه چیز را آفریده و بر اساس حکمت بزرگ خود مقدر و مقرر نمود.حق الله متعال؛ آن ذاتی که تو را از نیست به وجود آورد در حالی که هیچ یاد و ذکر تو نمی شد، حق الله متعال که تو در تاریکی های سه گانه در شکم مادرت بودی با نعمت ها تو را پرورش داد در حالی که هیچ یکی از مخلوق توان تامین غذا و موارد لازم برای رشد و زندگی تو را نداشت، پستان ها را برایت جاری ساخت، راه خیر و شر (حق و باطل) را برایت نشان داد، پدر و مادر را برای تو مسخر کرد، تو را کمک کرد و تو را آماده ساخت، نعمت ها، عقل و درك را برای تو مساعد ساخت، و تو را برای قبول و بهره مندی از آن آماده ساخت.قال تعالی:

﴿وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ ٧٨﴾[النحل: 78]

(وَٱللَّهُ أَخۡرَجَكُم مِّنۢ بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ شَيۡـٔٗا وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَ لَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ) [النحل:78]،

الله شما را از شکمِ مادران تان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و گوش و چشم و دل [= عقل] برایتان پدید آورد باشد که سپاس گزارید.اگر به اندازۀ چشم به هم زدن فضلش را از تو دریغ می کرد هلاک می شدی، و اگر رحمتش را از تو دریغ می کرد زنده نمی ماندی.اگر این فضل الله و رحمت او بر تو باشد، پس حق وی بر تو بزرگ‌ترین حقهاست؛ زیرا او به وجود آوردن تو، آماده کردن تو و کمک



رسانی برای تو را تحقق بخشید، چون وی از تو نه روزی می خواهد و نه غذا.قال تعالی:

﴿...لَا نَسۡـَٔلُكَ رِزۡقٗاۖ نَّحۡنُ نَرۡزُقُكَۗ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلتَّقۡوَىٰ١٣٢﴾[طه: 132]

الله متعال فرمود: {لاَ نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى} [طه:132]

. [ما] از تو روزی نمی‌خواهیم، [بلکه] خود به تو روزی می‌دهیم؛ و سرانجامِ نیک، برای [اهل] پرهیز است.

او فقط یک چیز از شما می خواهد که سودش به تو برمی گردد، او می خواهد که تنها او را در حالی بپرستی که هیچ شریکی برای وی قرار ندهی،قال تعالی:

﴿وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ٥٦ مَآ أُرِيدُ مِنۡهُم مِّن رِّزۡقٖ وَمَآ أُرِيدُ أَن يُطۡعِمُونِ٥٧ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلرَّزَّاقُ ذُو ٱلۡقُوَّةِ ٱلۡمَتِينُ٥٨﴾[الذاريات: 56-58]

الله متعال فرمود: (وَمَا خَلَقۡتُ ٱلۡجِنَّ وَٱلۡإِنسَ إِلَّا لِيَعۡبُدُونِ) [الذاريات:56-58] ،

و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند.او از تو می خواهد که با تمام معنای بندگی او را بندگی بکنی، همچنان به تمام معنای ربوبیت پروردگار توست، و این که تو بندۀ فروتن او باشی، در برابر اوامر او تسلیم باشی، و از نواهی وی دوری بجویی، عبد او باشی، از چیزی که خبر می دهد تصدیق کنی؛ چون تو نعمتهای وی را بر خود غالب می‌بینی، پس آیا شرم و حیا نمی‌کنی که این نعمت‌ها را با کفر عوض می کنی؟!

اگر کسی بر تو منّت بگذارد، تو حیا می کنی که چگونه نافرمانی اورا بکنی، و آشکارا با او مخالفت بکنی، پس چگونه با پروردگارت که هر نعمتی که داری از فضل اوست، و هر بدی که از تو دور می شود از رحمت اوست؟!قال تعالی:

﴿وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ٥٣﴾[النحل: 53]

(وَمَا بِكُم مِّن نِّعۡمَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ ٱلضُّرُّ فَإِلَيۡهِ تَجۡـَٔرُونَ) [النحل:53]

. و [ای مردم،] هر نعمتی که دارید، از سوی الله است؛ به علاوه، وقتی ضرری به شما می‌رسد، به پیشگاه او ناله و زاری می کنید.

و این حقی را که الله متعال بر خود واجب نموده است، آسان است برای کسی که الله متعال بر او آسان کرده باشد، زیرا الله متعال در آن حقوق هیچ گونه سختی و ناراحتی و سختی را قرار نداده است،قال الله تعالی:

﴿وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ مِن قَبۡلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيۡكُمۡ وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ٧٨﴾[الحج: 78]

الله متعال فرموده است: (وَجَٰهِدُواْ فِي ٱللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِۦۚ هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ مِن قَبۡلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ ٱلرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيۡكُمۡ وَتَكُونُواْ شُهَدَآءَ عَلَى ٱلنَّاسِۚ فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ) [الحج:78].



و در راه الله . چنان که سزاوارِ جهاد [در راه] اوست . جهاد کنید. او شما را برگزید و هیچ سختی در دین برایتان قرار نداد. آیین پدرتان ابراهیم [است. او [الله] پیش از این و در این [قرآن] شما را مسلمان نامید تا پیامبر بر [ابلاغِ پیامش به] شما گواه باشد و شما [نیز] بر مردم گواه باشید. پس نماز برپا دارید و زکات بپردازید و به الله پناه ببرید [و بر او توکل کنید] که او [دوست و] کارسازِ شماست؛ و چه نیکو کارساز و چه نیک یاوری است!

این عقیدۀ ناب، و باور کردن به حق است، و عمل صالح پربار عقیدۀ ایمان به غیب، و ایمان به واقعیت مبتنی بر محبت و بزرگ پنداشتن است، و ثمرۀ آن اخلاص و استقامت است، نمازهای پنجگانه در شبانه روز الله متعال به وسیلۀ آن گناهان را کفاره، و درجات را بالا، و دلها و حالات را اصلاح می کند، و بنده به اندازۀ توانش آنها را انجام می دهد.قال تعالی:

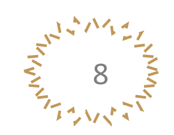
﴿فَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ مَا ٱسۡتَطَعۡتُمۡ ...﴾[التغابن: 16]

الآية. الله متعال فرموده است: {فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ} [التغابن: 16]

الآية. تا آنجا كه می‌توانید، از الله بترسید.

و پیامبر صلی الله علیه وسلم به عمران بن حصین رضی الله عنه فرمود، هنگامی که عمران رضی الله عنه بیمار بود:«ایستاده نماز بخوان و اگر نمی توانی نشسته، و اگر نمی توانی بر پهلو».

زکات، و آن اندکی از پول توست که در نیاز مسلمانان به فقیران و مستمندان و راهیان و قرض داران و سایر مستحقین زکات پرداخت می شود،قال تعالی:



﴿...فَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُواْ ٱلزَّكَوٰةَ وَٱعۡتَصِمُواْ بِٱللَّهِ هُوَمَوۡلَىٰكُمۡۖ فَنِعۡمَ ٱلۡمَوۡلَىٰ وَنِعۡمَ ٱلنَّصِيرُ ٧٨﴾[الحج: 78]

الله متعال فرموده است: {فَأَقِيمُوا الصَّلاَةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلاَكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِير} [الحج:78]

. پس نماز برپا دارید و زکات بپردازید و به الله پناه ببرید [و بر او توکل کنید] که او [دوست و] کارسازِ شماست؛ و چه نیکو کارساز و چه نیک یاوری است!

در سال یک ماه روزه، و هر کس از شما که بیمار یا مسافر باشد، تعدادی از روزهای دیگر را روزه بگیرد، و هر کس به علت ناتوانی دائم نتواند روزه بگیرد در مقابل هر روز یک فقیر را غذا بدهد.

حج بیت الله الحرام یک بار در عمر برای توانمند.

اینها پایه های حق الله متعال است، و علاوه از آنها بنابر آنچه پیش میاید مانند جهاد در راه الله، یا به دلایلی که آن را ایجاب می کند، واجب است؛ مانند یاری مستضعفان.

ببین - برادرم - این حق از لحاظ عمل آسان، و از لحاظ ثواب بسیار زیاد است، اگر آن را پیاده کردی در دنیا و آخرت خوشبخت می شوی، و از جهنم نجات میابی، و وارد بهشت می شوی،قال تعالی:

﴿...فَمَن زُحۡزِحَ عَنِ ٱلنَّارِوَأُدۡخِلَ ٱلۡجَنَّةَ فَقَدۡ فَازَۗوَمَا ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلۡغُرُورِ ١٨٥﴾[آلعمران: 185]

الله متعال فرموده است: {فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَما الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلاَّ مَتَاعُ الْغُرُور} [آل عمران:185].



پس هر که را از آتش دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً رستگار شده است؛ و زندگی دنیا چیزی.

.

*

حق دوم: حق رسول الله صلی الله علیه وسلم

و این حق بزرگترین حقوق مخلوقات است، زیرا هیچ حقی برای مخلوق بزرگتر از حق رسول الله صلی الله علیه وسلم وجود ندارد.قال الله تعالی:

﴿إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٨ لِّتُؤۡمِنُواْ بِٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُۚ وَتُسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ٩﴾[الفتح: 8-9]

الآية، الله متعال فرموده است: {إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا } [الفتح:8-9] الآية،

[ای پیامبر،] ما تو را گواه و مژده‌دهنده و هشداردهنده فرستادیم.بنابر این محبت پیامبر صلی الله علیه و سلم باید بر محبت همهٔ مردم حتی از خود و فرزند و پدر و مادر مقدمتر باشد.رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هیچ یک از شما ایمان نمیبرد تا اینکه من نزد او از پسر و پدرش و همه مردم عزیزتر باشم».

از جمله حقوق پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم: تکریم و احترام و بزرگ پنداشتن او به نحوی که شایسته وی باشد، بدون مبالغه و بدون تقصیر می باشد. پس تکریم او در زمان حیاتش احترام به سنت و شخص شریف اوست، و تکریم او پس از مرگش احترام به سنت و شریعت محکم اوست،و هر کس تکریم و تعظیم صحابه را نسبت به رسول الله صلی الله علیه وسلم ببیند، می داند که این بزرگواران چگونه در برابر رسول الله صلی الله علیه وسلم مسئولیت های خویش را بگونه یی که لازم بود انجام داده اند.هنگامی که قریش عروة بن مسعود را برای صلح با پیامبر صلی الله علیه وسلم در داستان حدیبیه فرستادند، به قریش گفت:من شاهان - خسرو و قیصر و نجاشی - را زیارت کردم و کسی را ندیدم که اصحابش آنچنان که یاران محمد برای محمد احترام می گذاشتند احترام بگذارند، اگر برای شان امر می کرد برای انجام

امر او مبادرت می ورزیدن، و هرگاه وضو می گرفت بر سر آب وضوی او دعوا می کردند، و هرگاه حرف می زد صدای خود را در مقابلش پایین می آوردند، و از روی احترام به او بگونۀ مستقیم نگاه نمی کردند.

این گونه او را گرامی می داشتند رضی الله عنهم، با آنچه که الله متعال از اخلاق نیکو، نرم خویی، و سهولت نفس به او ارزانی داشته است، و اگر خشن می بود، اطرافیانش از وی پراکنده می شدند.

از جمله حقوق پیامبر صلى الله عليه وسلم: ایمان به وی و به آنچه از امور گذشته و آینده خبر داده است، عمل کردن به امر وی، و دوری از اموری که نهی کرده است، و ایمان به اینکه راه و روش او کاملترین راه است، و شریعت او کامل ترین شریعت هاست می باشد. و نباید هیچ شریعت و نظامی، صرف نظر از مصدر آن، بر شریعت وی مقدم پنداشته شود،قال تعالی:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا۟ تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾﴾[النساء: 65]

الله متعال فرموده است: {فَلاَ وَرَبِّكَ لاَ يُؤْمِنُونَ حَتَّىَ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لاَ يَجِدُواْ فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُواْ تَسْلِيمًا} [النساء:65]

، نه؛ سوگند به پروردگارت [ای محمد] که آنان ایمان نمی‌آورند مگر اینکه در اختلافاتشان تو را داور قرار دهند و از داوری تو در دلِ خویش احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم [حکم تو] باشند.

﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾[آل‌عمران: 31]

{قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللّهُ غَفُورٌ رَّحِيم} [آل عمران:31].

[ای پیامبر،] بگو: «اگر الله را دوست دارید، از من پیروی کنید تا الله شما را دوست بدارد و گناهانتان را بیامرزد؛ و الله آمرزندۀ مهربان است»

و از جمله حقوق پیامبر صلی الله علیه وسلم دفاع از شریعت و راه او با آنچه که انسان در توان دارد، با سلاحی که تقاضای حال باشد می باشد.اگر دشمن توسط استدلال و شبهات هجوم آورد؛ پس دفع کردن آن از طریق علم، و رد نمودن دلایل و شبهات آنان، و بیان نمودن مفاسد آنها می باشد،و اگر با اسلحه و توپ حمله کند دفاعش نیز همانند آن باشد.

هیچ ممکن نیست که مؤمنی بشنود که کسی به شریعت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم یا شخص بزرگوارش تعرض نموده، و او بر آن سکوت نماید در حالیکه توانایی دفاع را داشته باشد.

*

حق سوم: حقوق پدر و مادر

هیچ کس از فضل و احسان پدر و مادر بر فرزندانش انکار نمی کند، پدر و مادر سبب وجود فرزند هستند، و حق بزرگی بر او دارند، او را کوچک تربیت کردند، و برای آسایش اش خود را خسته کردند، و برای بخواب رفتنش بیدار ماندند، مادرت تو را در شکم خود حمل کرد، و غالبا برای نه ماه از غذا و سلامتی او کاسته شد تا زنده بمانی، همانطور که الله متعال فرموده است:

﴿...حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ ...﴾[القمان: 14]

{حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ} الآية [القمان:14]

، [از آن رو که] مادرش او را با سستی [و ضعفِ] روزافزون باردار شد.بعد از آن دو سال نگهداری و شیردهی با خستگی و مشقت و سختی.

همینطور پدر از کودکی تا رسیدن به سن بلوغ تا اینکه سر پاهای خود بایستی، برای رزق و روزی و قوت تو تلاش می کند، و در تربیت و راهنمایی تو می کوشد در حالی که تو برای خود توان ضرر و سود را نداری.از این رو الله متعال به فرزند دستور داد که با پدر و مادر خود با مهربانی و سپاسگزاری رفتار کند.فقال تعالی:

﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ١٤﴾[القمان: 14]

فقال تعالی: {وَوَصَّيْنَا الإنسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِير} [القمان:14]،

ما انسان را [دربارۀ نیکویی] به پدر و مادرش سفارش کردیم [از آن رو که] مادرش او را با سستی [و ضعفِ] روزافزون باردار شد و [دوران شیرخوارگی و]



بازگرفتنش از شیر دو سال به طول می‌انجامد. [به او گفتیم] که: «شُکرِ من و پدر و مادرت را به جای آور [که] بازگشت [همه] به سوی من است.وقال تعالى:

﴿۞ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعۡبُدُوٓاْ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنًاۚ إِمَّا يَبۡلُغَنَّ عِندَكَ ٱلۡكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوۡ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفّٖ وَلَا تَنۡهَرۡهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوۡلٗا كَرِيمٗا ٢٣ وَٱخۡفِضۡ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحۡمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرۡحَمۡهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرٗا ٢٤﴾[الإسراء: 23-24]

. و الله متعال فرموده است: {وَقَضَى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُواْ إِلاَّ إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلاَهُمَا فَلاَ تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَلاَ تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلاً كَرِيمًا } [الإسراء:23-24]

. و پروردگارت چنین فرمان داده است که: «جز او را عبادت نکنید و به پدر و مادر [تان] نیکی کنید. هر گاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها در کنارِ تو به سن پیری رسیدند، حتی کمترین اهانتی به ایشان نکن و بر سرشان فریاد نزن و به نیکی [و مهربانی] با آنان سخن بگو.

حق پدر و مادر بر شما این است که: احسان با آنان در گفتار و کردار، توسط مال و بدن، و اطاعت از فرمان آنها در اموری که در آن نافرمانی الله متعال نباشد، و در مواردی که برای تو زیان آور نباشد، با نرمی با ایشان حرف بزنید، در برابر شان گشاده روی باش، خدمت آنان را به گونه ای که شایسته شان است انجام بده، و در پیری و بیماری و ضعف از آنان دلخور مشو، و آن را بر خود سنگین مگردان؛تو در جایگاه آنان خواهی بود، چنان که آنان پدر تو نیز پدر خواهی بود، و با فرزندان خود به پیری خواهی رسید – اگر مقدر باشد که زنده بمانی – چنان که آنان با تو به پیری رسیدند، و تو نیازمند نیکی فرزندان خود خواهی بود همان گونه که پدر و مادر

تو نیازمند نیکی تو هستند،اگر برای آنان نیکی کرده باشی، مژده باد تور را به ثواب بزرگ، و پاداش بالمثل، پس هر کس با پدران خود نیکی کند، فرزندانش به او نیکی می کند، و هر کس نافرمانی پدران خود را بکند، فرزندانش نافرمانی او را خواهند کرد، و پاداش از جنس عمل است، پس طوری که رفتار می کنی با تو رفتار خواهد شد.

و الله متعال جایگاه حق پدر و مادر را جایگاه بزرگ و رفیع قرار داده است، طوری که حق آنان را پس از حق خود و رسول خود صلى الله علیه وسلم قرار داده است،فقال تعالی:

﴿۞ وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا...﴾[النساء: 36]

الله متعال فرموده است: {وَاعْبُدُواْ اللّهَ وَلاَ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا} [النساء: 36] الآية،

و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر نیکی کنید.وقال تعالی:

﴿...ٱشۡكُرۡ لِي وَ لِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ١٤﴾[لقمان: 14]

الله متعال فرموده است: {أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِير} [لقمان: 14] ،

شُکرِ من و پدر و مادرت را به جای آور [که] بازگشت [همه] به سوی من است.پیامبر اکرم صلى الله علیه وسلم نیکی با پدر و مادر را بر جهاد در راه الله متعال مقدم دانسته است.چنانکه در حدیث ابن مسعود رضی الله عنه آمده که گفت: گفتم: یا رسول الله کدام عمل نزد الله متعال محبوبتر است؟ فرمود:

«نماز در وقتش» گفتم: پس از آن کدام؟ فرمود: «نیکی به پدر و مادر »، گفتم: پس از آن کدام؟ فرمود: «جهاد در راه الله».بخاری و مسلم روایت کرده



اند، و این بیانگر اهمیت حق پدر و مادر است که بسیاری از مردم آن را ضایع کرده اند، و دچار نافرمانی و قطع روابط شده اند، یکی از آنان را می بینی که برای پدر و مادر خود هیچ گونه حقی قایل نیست، و ممکن است آنان را تحقیر و توهین کند، و بر آنان تکبر کند، این چنین افراد دیر یا زود جزای آن را دریافت خواهند کرد.

*

رزندان

فرزندان شامل دختر و پسر می باشند، و حقوق فرزندان بسیار زیاد است، که مهم ترین آن: تربیت است، که آن پرورش دین و اخلاق آنان می باشد، تا این که دارندۀ سهم زیادی از آن باشند.قال الله تعالی:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ...﴾[التحریم: 6]

الآية، الله متعال فرموده است: {يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ} [التحريم:6]

الآية، ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌تان را از آتشی که هیزمِ آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید.و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«همه ی شما مسئولید و هریک از شما درباره ی زیردستانش بازخواست می شود؛ و مرد، مسئول خانواده اش است و درباره ی زیردستان خود بازخواست خواهد شد».

پس فرزندان امانتی در گردن پدر و مادر هستند، که در قیامت در مورد آنان بازخواست خواهند شد، و با تربیت دادن دینی و اخلاقی فرزندان، والدین از زیر بار این بازپرس بیرون می آیند، و فرزندان صالح می شوند، و مایۀ شادی و سردی چشم پدر و مادر در دنیا و آخرت خواهند بود.یقول الله تعالی:

﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱتَّبَعَتۡهُمۡ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَٰنٍ أَلۡحَقۡنَا بِهِمۡ ذُرِّيَّتَهُمۡ وَمَآ أَلَتۡنَٰهُم مِّنۡ عَمَلِهِم مِّن شَيۡءٖۚ كُلُّ ٱمۡرِيِٕۭ بِمَا كَسَبَ رَهِينٞ ٢١﴾[الطور: 21]

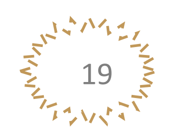
الله متعال فرموده است: {وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِين} [الطور:21]
،

مؤمنانی که فرزندانشان در ایمان پیرو آنان بودند، فرزندانشان را [نیز در بهشت] به آنان ملحق خواهیم کرد و از [پاداش] عملشان ذره‌ای نمی‌کاهیم؛ چرا که [سرنوشتِ] هر کس در گرو دستاورد خودِ اوست [و گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد].{أَلَتْنَاهُم} یعنی: نه کاهیدیم،و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید:

«اگر فرزند آدم بمیرد، اعمالش قطع می شود جز سه مورد: صدقهٔ جاریه، یا علمی که پس از او سودمند باشد، یا فرزند صالحی که برای او دعا کند».این یکی از ثمرات تأدیب فرزند است، اگر او به نحو احسن تربیت شود، برای پدر و مادرش حتی پس از مرگ نیز سودمند می باشد.

و بسیاری از والدین این حق را دست کم گرفته اند، پس فرزندان خود را از دست دادند و آنها را فراموش کردند، گویا هیچ مسئولیتی در قبال آنان نداشته اند، نمی پرسند که کجا رفتند؟ و چی وقت آمدند؟و نه این که دوستان و همراهانشان چه کسانی هستند؟و نه آنان را به کار خیر رهنمایی می کنند، و نه آنان را از منکر باز می دارند.

تعجب آور است که این طیف از مردم برای حفظ و افزایش ثروت خویش تمام تلاش های خود را مبذول می دارند، و جهت آراسته کردن آن شب زنده داری می کنند، در حالیکه این پول ها را برای دیگران افزایش و آراسته می کنند، اما فرزندان برای آنان هیچ اهمیتی ندارند، حال آنکه محافظت و مراقبت فرزندان در دنیا و



آخرت بهتر و سودمندتر است.همان گونه که پدر باید بدن فرزند را با غذا و نوشیدنی تغذیه کند، و بدن او را لباس بپوشاند، قلب او را نیز با علم و ایمان باید تغذیه کند، و روح او را لباس تقوا بپوشاند، که این کار نیکو است.

و از جمله حقوق فرزندان: انفاق بر آنان به گونۀ نیکو بدون اسراف و کوتاهی می باشد؛ زیرا این حق فرزندان بالای پدر است، و از شکر نعمت الله متعال بر وی این است که برای او مال بخشیده است.و چگونه مال را از آنان در زندگی خود منع می کند، و بخل می ورزد؛ تا این که بعد از مرگش به زور آن را بگیرند؟! حتی اگر در امور واجب در حقشان بخل ورزد آنان حق دارند از مال او به برای رفع نیازمندی خویش بگونۀ معقول بگیرند، چنان که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد به هند بنت عتبه رضی الله عنها فتوا دادند.

و از حقوق فرزندان اینست که: هیچ یک از آنان را در هدیه ها و بخشش ها برتری ندهد، و نباید برای برخی از فرزندانش چیزی بدهد و دیگران را محروم سازد؛ چون این نوعی از ظلم و ستم است، و الله متعال ستمگران را دوست ندارد.زیرا این امر منجر به تنفر محرومان شده، و میان محروم شده گان و بخشیده شده شان سبب بروز خصومت می گردد، و حتی شاید منجر به دشمنی میان محروم شده گان و پدران شان گردد.

و برخی از افراد یکی از فرزندان خود را به تناسب دیگران در نیکی و مهربانی با پدر و مادر متمایز می نمایند، به همین دلیل برای آنان هدیه و بخشش تخصیص می دهند؛ به دلیل این که با ایشان نیکی نموده است، حالانکه این گونه تخصیص دادن توجیه ندارد، پس متمایز ساختن شخص نیکی کننده به هدیه و بخشش جواز ندارد؛ زیرا پاداش نیکویی او را الله متعال می دهد، و همچنان متمایز ساختن فرزند نیکی کننده منجر به کبر و خودنمایی او می گردد، و برای خود برتری قایل شده، و باعث تنفر دیگران و استمرار عقوق و نافرمانی اش می شود.بعد ما نمی دانیم، ممکن شرایط

تغییر کند، و فرمانبردار به نافرمان، و نافرمان به فرمانبردار عوض شود؛ چون دلها در دست الله متعال است هر طور که بخواهد آنها را می گرداند.

و در صحیحین (صحیح بخاری و مسلم) از نعمان بن بشیر آمده است که پدرش بشیر بن سعد غلامی به او عطا کرد، و او به پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن خبر داد،پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: آیا برای همه فرزندانت مانند آن دادی؟ او گفت: نه. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«پس آن را برگردان» و در روایتی: «از الله خوف کنید، و با فرزندان خود به عدالت رفتار کنید»، و در لفظی: غیر از من کسی دیگر را بر آن گواه بگیر؛ زیرا من به ستم گواهی نمی دهم.»

رسول الله صلی الله علیه وسلم ترجیح برخی از فرزندان بر برخ دیگر را ستم نامید، و ستم ظلم و حرام است.

ولی اگر برای بعضی از آنان چیزی را که نیاز دارند بدهد، و دیگری نیازی نداشته باشد، مانند اینکه یکی از فرزندان به لوازم مکتب، معالجه و یا ازدواج نیاز داشته باشد، در این صورت اشکال ندارد اگر او را به چیزهای که نیاز دارد خاص بگرداند؛چون این گونه تخصیص دادن بر اساس نیاز است، مانند نفقه.

و هرگاه پدر مکلفیت های خویش را در قبال فرزند از قبیل تربیت و نفقه انجام دهد، حتما فرزند توفیق میابد فرمانبردار پدر خویش باشد، و حقوق وی را رعایت کند، و چون پدر در مکلفیت هایش در قبال فرزند کوتاهی کند، سزاوار عقوبت می گردد، و فرزند حق او را انکار می کند، و به نافرمانی فرزند خود مبتلا می شود، و طوری که برخورد می کنی برخورد می شوی.

*

حق پنجم: حقوق نزدیکان (خویشاوندان)

برای خویشاوندی که با شما نسبت خویشاوندی دارد - مانند برادر، عمو (کاکا)، دایی (ماما)، و فرزندان آنان، و هرکسی که در پیوند به شما تعلق دارد - آنان در تناسب به نزدیکی شان دارای حق این خویشاوندی هستند،قال الله تعالی:

﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ﴾ [الإسراء:26]

الآية، الله متعال فرموده است: {وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ} [الإسراء:26] الآية،

و حق خویشاوند را به او بده (صلهٔ رحِم به جای آور).وقال:

﴿۞ وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡـٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ...﴾[النساء: 36]

وقال: {وَاعْبُدُواْ اللّهَ وَلاَ تُشْرِكُواْ بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى} [النساء:36] ،

و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به خویشاوندان.بر هر خویشاوندی واجب است که با نزدیکان خویش با نیکی رابطه داشته باشد، با بذل منزلت و منفعت جسمانی و مالی، بر حسب اقتضای قوت خویشاوندی و نیاز، و این امری است که شرع و عقل و فطرت اقتضا می کند.

متون زیادی مبنی بر ارتباط با خویشاوند (صلهٔ رحم)، یعنی قریبان و نزدیکان، و تشویق کردن بر آن وجود دارد.در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند:



«الله متعال خلق را آفرید، زمانی که آن را تمام نمود، رحم (خویشاوند) بلند شد و گفت: این مقام کسی است که از قطیعه (بریدن صلهٔ رحم) به تو پناه می برد! الله متعال فرمود: آری، آیا راضی نمی‌شوی با کسی وصل باشم که تو را وصل کرده باشد، ببُرم با کسی که تو را بریده باشد؟ او گفت: آری. گفت: آن برای توست.سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«اگر خواسته باشید بخوانید:

﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ إِن تَوَلَّيۡتُمۡ أَن تُفۡسِدُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَتُقَطِّعُوٓاْ أَرۡحَامَكُمۡ ٢٢ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فَأَصَمَّهُمۡ وَأَعۡمَىٰٓ أَبۡصَٰرَهُمۡ ٢٣﴾[محمد: 22-23]

، پس [ای منافقان،] آیا [جز این] انتظار دارید که اگر [از قرآن و سنت پیامبرش] روی بگردانید، در زمین تباهی کنید و از خویشاوندانتان ببُرید؟ [چنان‌که در جاهلیت این حالت را داشتید.]

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر که به الله و روز آخرت ایمان دارد، پیوند خویشاوندی خود را حفظ کند.

بسیاری از مردم این حق را ضایع می کنند، و در آن غفلت می کنند، می بینید که یکی از آنها با خویشاوند خود هیچ گونه رابطه تامین نمی کند، نه به پول، نه به جایگاه، نه به اخلاق، روزها یا ماه ها می گذرد، بی آنکه آنان را ببیند و یا زیارت کند، و نه با هدیه دادن محبت شان را کسب کرد، و نه از آنان ضرر و یا نیازمندی را رفع کرده است، بلکه ممکن است با گفتار یا کردار یا با گفتار و عمل آنان را آزرده باشد، با کسانی که دور هستند رسیدگی می کنند، و با نزدیکان می برد.

و از مردم کسانی هستند که اگر نزدیکان شان با آنان پیوند داشته باشند با آنها پیوند داشته می باشند، و می بُرند هرگاه آنها بُریدند، و آنها در حقیقت پیوند دهندهٔ



نیستند، بلکه آنان پاداش نیکی را بمانند آن انجام داده اند، و این چیزی است که برای نزدیک و غیره آن اتفاق می افتد؛ و پاداش تنها مخصوص خویشاوند نیست، و پیوند دهندهٔ واقعی کسی است که پیوند خود را بخاطر الله متعال قایم می دارد، و هیچ اهمیت نمی دهد برای این که با او پیوند را حفظ کند و یا نکند.چنانکه در «صحیح البخاری» عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهما - از پیامبر - صلی الله علیه و سلم - روایت می کند که فرمودند:

"به جا آوردن پیوند خویشاوندی به طور متقابل صله ی رحم راستین نیست، بلکه صله ی رحم راستین هنگامی است که اگر خویشاوندان ارتباط خویش را با کسی قطع کردند، او همچنان پیوند خویشاوندی را با آنان حفظ می کند"

.مردی گفت: ای رسول الله، خویشاوندانی دارم که با آنان ارتباط برقرار می کنم، ولی آنها با من ارتباط ندارند؛ و من به آنان نیکی می کنم، ولی آنها به من بدی می کنند؛ من در برابر بدی های شان شکیبایی می ورزم، ولی آنها باز هم به من بدی می کنند.پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند:

اگر همین گونه باشی که گفتی، گویا خاکستر داغ به آنان می خورانی و تا زمانی که به همین روش عمل کنی، همواره پشتیبانی و حمایت الله در برابر آنها را خواهی داشت.مسلم روایت کرده است.

حتی اگر نسبت به پیوند خویشاوندی نباشد جز این که الله متعال با ارتباط برقرار کننده در دنیا و آخرت ارتباط برقرار می کند، و بر او رحمت خود را ارزانی می دارد، و کارهایش را آسان می کند، و غم و اندوه را از او دور می کند، علاوه بر اینکه در پیوند خویشاوندی نزدیکی خانواده ها، محبت و شفقت با یکدیگر، و کمک به یکدیگر هنگام مصیبت ها و شادی ها، و شادابی که از آن ناشی می گردد، چنان که

این امر تجربه و معلوم شده است، و همهٔ این فواید بر عکس می گردد هرگاه پیوند خویشاوندی قطع گردد و دوری به میان آید.

*

حق ششم: حق زن و شوهر

ازدواج آثار مهم و مقتضیات بزرگی دارد، پیوندی است بین زن و شوهر، که هر یک را ملزم به رعایت حقوق دیگر می نماید: حقوق جسمانی، حقوق اجتماعی، حقوق مالی.

بر زن و شوهر واجب است که با یکدیگر به نیکی رفتار کنند، و حقی را که بر عهدهٔ اوست با کمال لطف و آسانی، بدون اکراه و تعلل بدهد.قال الله تعالی:

﴿...وَعَاشِرُوهُنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ...﴾[النساء: 19]

الله متعال فرموده است: {وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ} [النساء:19] الآية،

و با آنها به طور شایسته رفتار کنید.وقال تعالی:

﴿...وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِی عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ...﴾[البقرة: 228]

و الله متعال فرموده است: {وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ} [البقرة:228] الآية،

و زنان حقوق شایسته‌ای [بر عهده مردان] دارند همانند [و همسنگِ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امرِ طلاق] بر آنان برتری دارند.همچنان زن باید سعی کند مسئولیت های که در قبال شوهر خویش دارد انجام دهد.

و هرگاه هر یک از همسران مسئولیت های متقابل انجام دهند زندگی شان شاد، و رابطهٔ شان پایدار خواهد بود، و اگر برعکس باشد اختلاف و درگیری پیش آمده، و زندگی هر یک غیر قابل تحمل خواهد بود.

نصوص متعددی در پیوند سفارش به زن، و رعایت حالش آمده است، و اینکه کامل بودن حال ناممکن است، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

«به وصیت من درباره ی خوش رفتاری با زنان توجه کنید؛ زیرا زن از قبرغه آفریده شده است و کج ترین بخش قبرغه، قسمتِ بالای آن است. اگر بخواهی راستش کنی، می شکند و اگر رهایش نمایی، همچنان کج باقی می ماند؛ پس سفارشم را درباره ی زنان رعایت کنید».

و در روایتی آمده است:

«زن مانند قبرغه است که اگر قصد راست کردن آن را داشته باشی، آن را می شکنی؛ و اگر بخواهی از او بهره مند شوی، باید با کجی اش بسازی؛ و اگر بخواهی راستش کنی، می شکند و شکستنش طلاقِ اوست»

.و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هیچ مردِ مؤمنی، نسبت به زنی مؤمن (یعنی همسر خویش) بد نَبَرد؛ زیرا اگر یک اخلاقش را نمی پسندد، اخلاق دیگرش را می پسندد»

.و معنی: (لا یفرک) نفرت و بد نبردن است،در این احادیث آمده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم به امت خود دستور داد که مرد با زن چگونه رفتار کند؟و از آنچه که در زن موجود است باید استفاده کرد؛ زیرا طبیعت که از آن آفریده شده طوری است که نباید کامل باشد، بلکه باید کجی در آن باشد، و ممکن نیست که مرد از زن لذت ببرد مگر بر حسب طبیعتی که بر آن آفریده شده.

و در این احادیث آمده که: انسان باید میان محاسن و معایب زن مقایسه کند، زیرا اگر یکی از اخلاق او را دوست نداشت آن را با اخلاق دومی او که از آن راضی هست مقایسه کند، و صرفاً به او نگاه نفرت و خشم آمیز نکند.



و اینکه بسیاری از شوهران خواهان حال کامل زن خود هستند، و این امر غیر ممکن است، و بنابر این دچار پریشانی می شوند، و نمی توانند از همسران خود لذت ببرند.و شاید این امر منجر به طلاق شود، چنان که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:«و اگر بخواهی راستش کنی، می شکند و شکستنش طلاقِ اوست»، شوهر باید ملایم باشد و هر کاری را که زن انجام می دهد، در صورتی که به دین یا ناموس لطمه وارد نکند، آن را نادیده بگیرد.

از حقوق زن بر شوهر این است که: نفقه او را از قبیل غذا و نوشیدنی، پوشاک، مسکن و مستلزمات آن را برعهده بگیرد؛ بنابر فرمودۀ الله متعال:

﴿... وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ...﴾ [البقرة: 233]

{وَعلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ} [البقرة:233]،

و بر صاحبِ فرزند [= پدر] لازم است خوراک و پوشاک آنان [= مادران] را [در مدت شیردادن] به طور شایسته‌ای [فراهم کند].و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«و حق آنان بر شما این است که آنان را بخوبی و به اندازه ی توان، خوراک و پوشاک بدهید»

،و پرسیده شد: حق همسر ما بر ما چیست؟ فرمود: «اینکه چون غذایی خوردی، به او بدهی و اگر لباسی پوشیدی - یا کسب نمودی - او را بپوشانی و به صورت او ضربه نزنی و دشنامش ندهی و جز در خانه از او دوری نکنی».ابو داود روایت کرده است.

از جمله حقوق زن بر شوهر این است که: اگر زن دومی داشته باشد در میان هر دو باید در خرج و مسکن و شب گزراندن و در هر آنچه که توان دارد عدل را پیشه



کند؛ چون فقط به یکی از آنها روی آوردن از گناهان کبیره است،رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هرکس دو همسر داشته باشد و فقط به یکی از آنها روی بیاورد، روز قیامت درحالی - به میدانِ حشر - می آید که نیمی از بدنش خمیده است»

.و اما آنچه را که نمی تواند در آن عدل کند؛ مانند محبت و راحت نفس، در این مورد گناهی بر او نیست؛ چون این کار در توان او نیست،قال الله تعالی:

﴿وَلَن تَسۡتَطِيعُوٓاْ أَن تَعۡدِلُواْ بَيۡنَ ٱلنِّسَآءِ وَلَوۡ حَرَصۡتُمۡۖ...﴾[النساء: 129]

قال الله تعالی: {وَلَن تَسْتَطِيعُواْ أَن تَعْدِلُواْ بَيْنَ النِّسَاء وَلَوْ حَرَصْتُمْ} [النساء:129]

، و [شما مردان] هر چند بکوشید هرگز نمی‌توانید [از نظر محبت قلبی] میان زنان عدالت برقرار کنید.و رسول الله صلی الله علیه وسلم بین همسران خود - رضی الله عنهن - تقسیم می کرد و عدالت می نمود، و می فرمود:

«یا الله، این تقسیم بندی من در مواردی است که در اختیار من است؛ پس مرا در مورد آنچه مالک آن تویی و در اختیار من نیست (محبت قلبی)، سرزنش و مؤاخذه نفرما».

ولی اگر یکی از آنان را بر دیگری ترجیح داد که با رضای او شب را بگذراند، اشکالی ندارد، چنان که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای عایشه و سوده روزها را تقسیم می کرد آنجا سوده روز خود را برای عایشه بخشید.رسول الله صلی الله علیه وسلم در بیماری که وفات کرد سوال می کرد و می گفت:



«أَيْنَ أَنَا غَدًا، أَيْنَ أَنَا غَدًا»: «فردا کجا خواهم بود، فردا کجا خواهم بود» همه ی همسران به ایشان اجازه دادند هر جا که می خواهد باشد؛ بنابراین در خانه عایشه بود تا اینکه فوت شد.

و اما حقوق شوهر بر زنش بزرگتر از حقوق زن بر شوهرش است؛ زیرا الله متعال می فرماید:

﴿...وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِى عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِۚ وَلِلرِّجَالِ عَلَيۡهِنَّ دَرَجَةٞۗ و...﴾[البقرة: 228]

{وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ} [البقرة:228] ،

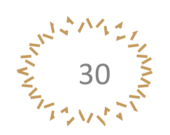
و زنان حقوق شایسته‌ای [بر عهده مردان] دارند همانند [و همسنگِ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امرِ طلاق] بر آنان برتری دارند.و مرد سرپرست زن است، مصالح او را مواظبت و اورا تأدیب و رهنمایی می کند، چنان که الله متعال فرمودند:

﴿ٱلرِّجَالُ قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ ٱللَّهُ بَعۡضَهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡۚ...﴾[النساء: 34]

{الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاء بِمَا فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُواْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ} [النساء:34].

مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند، به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است و [نیز] به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند.

از جمله حقوق شوهر بر همسرش این است که: از فرمان او اطاعت کند بجز در مواردی که در آن معصیت الله باشد، و از اسرار و اموال او محافظت کند.رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:



«اگر به کسی فرمان می دادم که کسی را سجده کند، به زن فرمان می دادم برای شوهرش سجده نماید».

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هرگاه مرد، زنش را به بستر خود فرابخواند و زن به بستر شوهرش نرود و مرد، شب را در حال خشم (و نارضایتی) از همسرش سپری کند، ملائکه آن زن را تا صبح لعنت می کنند».

و از حقوق او بر خانمش: این است که خانم عملی را انجام ندهد که مانع شود شوهر لذت کامل از وی بگیرد، هر چند اگر عبادت نفلی باشد؛ بنابر قول پیامبر صلی الله علیه وسلم:

«برای زن جواز ندارد که روزه بگیرد در حالیکه شوهرش در خانه باشد مگر به اجازهٔ او، و برای هیچ کس اجازهٔ ورود به خانهٔ او را ندهد مگر به اجازهٔ او».

و رسول الله صلی الله علیه وسلم رضایت شوهر از همسرش را یکی از اسباب ورود او به بهشت قرار داده است،ترمذی از حدیث ام سلمه رضی الله عنها روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«هر زنی درحالی بمیرد که شوهرش از او راضی است، وارد بهشت می شود».

*

حق هفتم: حقوق حاکمان و رعیت

الولاة (حاکمان): کسانی اند که زمام امور مسلمین را به عهده می گیرند، اعم از اینکه دارای ولایت عام باشند، مانند رئیس جمهور در کشور، و یا اینکه دارای ولایت خاص باشند، مانند رئیس بر یک ادارۀ خاص و یا کار خاص، و همۀ آنان دارای حقوقی هستند که رعیت آن را باید رعایت کند، و رعیت نیز حقوقی دارد بالای حاکمان که آنان نیز باید آن را رعایت نمایند.

از حقوق رعیت بر حاکمان اینست که امانتی را که الله متعال به آنان واگذار کرده و آنان را به انجام آن موظف نموده است، از قبیل نصیحت به رعیت، و سوق دادن آنان در مسیر درست که منافع دنیا و آخرت را تضمین کند بجا بیاورند،البته با پیروی از راه مؤمنان، که همان راهی است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر آن بود؛ چون در آن راه سعادت آنان و رعیت و زیر دستان شان می باشد، و این مؤثرترین چیزی است که رعیت از حاکمان خود راضی می شوند، و با آنان پیوند می خورند، و در برابر دستورات شان تسلیم می شوند و در چیزی که برای آنان سپرده اند امانت حفظ می شود.زیرا هر کس از الله متعال خوف کند، مردم از او خوف می کنند، و هر کس الله متعال را خشنود سازد الله متعال او را از بار مردم بسنده و آنان را از او راضی می سازد؛ چون دلها در دست الله متعال است هر طور که بخواهد آنها را می گرداند.

و اما حقوق حاکمان بر رعیت عبارتند از: نصیحت کردن آنان در کارهایشان، یادآوری آنان در صورت غفلت، و دعا برای آنان هرگاه در مسیر انحراف از حق قرار گرفتند، و اطاعت از فرمان آنان در غیر نافرمانی الله متعال؛زیرا در آن اساس و نظم امر است، و در مخالفت و نافرمانی آنان گسترش هرج و مرج و فساد امور می باشد، پس الله متعال به اطاعت خود و رسولش و کارگزاران (فرماندهان مسلمان) دستور داده است،فقال تعالی:

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَأَطِيعُواْ ٱلرَّسُولَ وَ أُوْلِي ٱلۡأَمۡرِ مِنكُمۡۖ...﴾[النساء: 59]

الآية، فقال تعالى: {يَاأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ} [النساء:59] الآية،

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله و پیامبر و کارگزاران [و فرماندهان مسلمانِ] خود اطاعت کنید.و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«حرف شنوی و فرمان برداری از فرمانروایان بر هر مسلمانی واجب است؛ چه این فرمان ها برایش خوشایند باشد و چه ناگوار؛ مگر اینکه به گناه و معصیتی امر شود که در این صورت حرف شنوی و اطاعت درست نیست»

. متفق علیه

و عبدالله بن عمرو رضی الله عنهما فرمود که با رسول الله صلی الله علیه وسلم در سفر بودیم و جايي پائین شدیم، که منادی رسول الله صلی الله علیه وسلم اعلام کرد: نماز برپاست؛ - یعنی وقتِ نماز است.- همه نزدِ رسول الله صلی الله علیه وسلم جمع شدیم، و فرمودند:

«هر پیامبری پیش از من وظیفه داشت امتش را به بهترین چیزی که خیر و صلاح شان را در آن می دانست، راهنمايي کند و آنها را از آنچه برای آنان بد می دانست، برحذر دارد. عافیت و سلامتِ این امت از فتنه ها، در ابتدای آن نهاده شده است و در آینده به فتنه ها و اموری دچار می شود که آنها را نمی پسندید و فتنه هايي پدیدار می گردد که هریک از آنها به قدری سنگین و شدید است که فتنه های پیش از خود را سبک و خفیف می گرداند؛ چنانکه فتنه ای پیش می آید و مؤمن می گوید: این مایه ی هلاکت من است. اما فتنه برطرف



می شود و فتنه ای دیگر می آید و مؤمن می گوید: این همان فتنه ی هلاکت بار است - و فتنه ی پیشین بر او آسان می گردد.- پس هرکس دوست دارد از آتش دوزخ دور و واردِ بهشت شود، باید در زمانی که مرگش فرا می رسد، به الله و آخرت ایمان داشته باشد و باید با مردم به گونه ای رفتار کند که دوست دارد با خودش رفتار گردد. و هرکس با حاکمی بیعت کرد و با دست و دلِ خویش با او پیمان بست، باید هرچه می تواند از او اطاعت کند و اگر کسی بر سرِ قدرت با حاکم نزاع کرد، گردنش را بزنید»

.مسلم روایت کرده است،مردی از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال کرد و گفت: ای پیامبر الله، اگر امیرانی بر ما قدرت بیابند که حقّ خود را از ما بخواهند، اما حقّ ما را ندهند، به ما چه دستور می دهید؟ - چه کار کنیم؟ - رسول الله صلی الله علیه وسلم از او روی گردانید و جوابش را نداد؛ اما وی دوباره سؤال کرد. این بار رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«از وی بشنوید و اطاعت کنید؛ زیرا آنها وظیفه و مسئولیت خودشان را دارند و شما نیز وظیفه و مسئولیت خود را دارید».

از جمله حقوق حاکمان بر رعیت اینست که رعیت حاکمان خود را در انجام وظایف شان یاری بدهند، تا آنان را در اجرای فرمانی که به آنان سپرده شده یاری دهند، و اینکه هر یک نقش و مسئولیت خود را در جامعه بدانند تا کارها آنطور که لازم است پیش برود؛ اگر حاکمان در مسئولیت های خود از سوی رعیت یاری نشوند، آن گونه که لازم است انجام نمی یابد از جمله حقوق حاکمان بر رعیت اینست که رعیت حاکمان خود را در انجام وظایف شان یاری بدهند، تا آنان را در اجرای فرمانی که به آنان سپرده شده یاری دهند، و اینکه هر یک نقش و مسئولیت خود را در جامعه بدانند تا کارها آنطور که لازم است پیش برود؛ اگر حاکمان در مسئولیت های خود از سوی رعیت یاری نشوند، آن گونه که لازم است انجام نمی

یابد. وظایف شان یاری بدهند، تا آنان را در اجرای فرمانی که به آنان سپرده شده یاری دهند، و اینکه هر یک نقش و مسئولیت خود را در جامعه بدانند تا کارها آنطور که لازم است پیش برود؛ اگر حاکمان در مسئولیت های خود از سوی رعیت یاری نشوند، آن گونه که لازم است انجام نمی یابد از جمله حقوق حاکمان بر رعیت اینست که رعیت حاکمان خود را در انجام

.

*

حق هشتم: حق همسایگان

همسایه کسی است که: در خانه به شما نزدیک است، و حق بزرگی بر شما دارد،اگر از نظر نسب به شما نزدیک باشد و مسلمان باشد، سه حق دارد: حق همسایگی، حق خویشاوندی، و حق اسلام،و اگر مسلمان باشد، و خویشاوندی نسبی نداشته باشد، دو حق دارد: حق همسایگی، و حق اسلام،همین طور اگر خویشاوند باشد و مسلمان نباشد، دو حق دارد: حق همسایگی، و حق خویشاوندی،و اگر بیگانه (غریبه) و غیر مسلمان باشد یک حق دارد: حق همسایگی،

الله متعال فرمودند:

﴿...وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ...﴾[النساء: 36]

و به پدر و مادر نیکی کنید و [نیز] به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایۀ خویشاوند و همسایۀ غیرخویشاوند.رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمودند: "همواره جبرئیل در مورد همسایه به من توصیه می کرد تا اینکه گمان بردم (همسایه) از او ارث می برد".متفق علیه.

از جمله حقوق همسایه بر همسایه این است که: تا اندازۀ توان با مال و جایگاه و منفعت به او احسان کند،«بهترین همسایه نزد الله متعال کسی است که برای همسایه اش بهتر است».و فرمودند: «و هر کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد، پس همسایه اش را گرامی دارد»،و همچنان فرمودند: «هنگام پختن شوربا، آبش را بیشتر کن و به همسایه ات نیز بده».

و از جملۀ نیکی به همسایه: هدیه دادن در مناسبت ها به او است، زیرا که هدیه محبت می آورد و دشمنی را از بین می برد.



از حقوق همسایه بر همسایه اش: خودداری از ضرر رساندن لفظی و فعلی می باشد،رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«به الله سوگند ایمان نمی برد، به الله سوگند ایمان نمی برد، به الله سوگند ایمان نمی برد،» پس گفتند: کی ای رسول الله؟ فرمودند: «کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد».و در روایتی: « به بهشت وارد نمی شود کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد».البوائق: شرها، پس کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد مؤمن نیست، و وارد بهشت نمی شود.

و بسیاری از مردم اکنون به حق همسایگی اهمیتی نمی دهند، و همسایگان شان از شر آنان در امان نیستند، پس همیشه می بینی که با آنان در ستیز، اختلاف و تعدی بر حقوق هستند، و با قول و فعل سبب اذیت آنان می گردند.همهٔ اینها خلاف دستور الله و رسولش می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود. آنان در امان نیستند، پس همیشه می بینی که با آنان در ستیز، اختلاف و تعدی بر حقوق هستند، و با قول و فعل سبب اذیت آنان می گردند.همهٔ اینها خلاف دستور الله و رسولش می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود. می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود. آنان در امان نیستند، پس همیشه می بینی که با آنان در ستیز، اختلاف و تعدی بر حقوق هستند، و با قول و فعل سبب اذیت آنان می گردند.همهٔ اینها خلاف دستور الله و رسولش می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود. تعدی بر حقوق هستند، و با قول و فعل سبب اذیت آنان می گردند.همهٔ اینها خلاف دستور الله و رسولش می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود. آنان در امان نیستند، پس همیشه می بینی که با آنان در ستیز، اختلاف و تعدی بر حقوق

هستند، و با قول و فعل سبب اذیت آنان می گردند.همۀ اینها خلاف دستور الله و رسولش می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود. می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود. آنان در امان نیستند، پس همیشه می بینی که با آنان در ستیز، اختلاف و تعدی بر حقوق هستند، و با قول و فعل سبب اذیت آنان می گردند.همۀ اینها خلاف دستور الله و رسولش می باشد، و باعث از هم پاشیدگی مسلمانان، دوری دلهای شان، و فروریزی برخی از حرمت های یکدیگر می شود.

*

حق نهم: حقوق عام مسلمانان

این حقوق بسیار زیاد اند، از جمله: آنچه در صحیح ثابت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است: وقتی با او روبر شدی به وی سلام کنی، آنگاه که تو را دعوت نمود، اجابت کنی، زمانی که از تو نصیحت خواست او را نصیحت کنی، هرگاه عطسه زد و الحمدلله گفت، پاسخش را بدهی، هنگامی که بیمار شد به عیادتش بروی و چون فوت شد، در تشییع جنازه اش شرکت کنی»

.در این حدیث، شماری از حقوق مسلمانان بیان شده است:

حقیقت اول: سلام، سلام کردن سنت موکد است، و یکی از اسباب تآلف و دوستی مسلمانان می باشد، چنانکه مشاهده می شود، و آنچه که قول پیامبر صلی الله علیه وسلم بر آن دلالت می کند:

« به الله سوگند، وارد بهشت نمی شوید تا اینکه ایمان داشته باشید، و ایمان نمی آورید مگر زمانی که یکدیگر را دوست بدارید؛ آیا شما را به کاری راهنمایی نمایم که اگر انجامش دهید یکدیگر را دوست خواهید داشت؟ سلام گفتن را در میان خود رواج دهید».

و رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگاه با کس روبرو می شد به سلام گفتن می پرداخت، و هنگامی که از نزد کودکان عبور می نمود، بر آنان سلام می گفت.

سنّت آن است که کوچک تر به بزرگ تر، عابر به نشسته و جمعیت کمتر به جمعیت بیشتر سلام کند، و سواره بر پیاده سلام کند، اما اگر کسی که سزاوارتر است به سنت عمل ننمود شخص دیگر آن را انجام دهد؛ تا این که سلام از بین



نرود، اگر کوچکتر سلام نگفت بزرگتر سلام بگوید، و اگر جمعیت کمتر سلام نگفت جمعیت بزرگتر سلام بگوید؛ تا اجر حاصل گردد.

عمّار بن یاسر رضي الله عنهما فرمود:

«هر کس سه خصلت را در خود پدید آورد ایمانش کامل می شود: عدل از خودت (یعنی نگذاشتن حق کس را بالای خود)، سلام گفتن بر مردم، و انفاق در حالت تنگدستی».

اگر آغاز نمودن به سلام گفتن سنت باشد پس پاسخ آن واجب است، اگر کس به اندازۀ کافی آن را انجام دهد، بقیه را جبران می کند، و اگر به گروهی سلام بگوید، و یکی از آنان پاسخ دهد، از بقیه ادا می گردد.قال الله تعالی:

﴿وَإِذَا حُيِّيتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّواْ بِأَحۡسَنَ مِنۡهَآ أَوۡ رُدُّوهَآۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَسِيبًا ٨٦﴾[النساء: 86]

الله متعال فرمودند: {وَإِذَا حُيِّيْتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّواْ بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا} الآية [النساء:86] ،

[ای مؤمنان،] هر گاه با درودی صمیمانه به شما سلام گویند، شما پاسخی بهتر . و یا همانند آن . بگوييد.در پاسخ دادن به سلام صرفاً گفتن: «خوش آمدید» کافی نیست؛ چون این پاسخ نه بهتر و نه همانند آن است،اگر گفت: السلام علیکم، باید بگوید: و علیکم السلام.و اگر گفت: «خوش آمدید» باید بگوید: «خوش آمدید» یعنی هم مثل پاسخ داده شود، و اگر سلام را اضافه نماید بهتر است.

حق دوم:«إذا دعاك فأجبه» یعنی: اگر شما را به خانۀ خود دعوت کرد، برای خوردن غذا یا چیز دیگر، دعوتش را اجابت کن، و اجابت دعوت سنت موکد است؛ چون با این کار دل دعوت کننده شاد شده و محبت و صمیمیت را به بار میاورد.

موارد ذیل از آن مستثنی اند: جشن عروسی، زیرا اجابت دعوت به آن با شرایط تعریف شده واجب است؛ بنابر گفتۀ پیامبر صلی الله علیه وسلم:

«ومن لم یجب فقد عصی الله ورسوله». «و کسی که دعوت [ولیمه] را اجابت نکند، نافرمانی الله و رسولش را کرده است».

شاید قول وی: «إذا دعاك فأجبه»، «اگر تو را دعوت کرد او را اجابت کن» حتی شامل دعوت کردن به کمک و یاری او نیز باشد، زیرا شما مأمور به اجابت او هستید، اگر از شما دعوت کرد که او را در حمل چیزی یا پرتاب کردن آن یا مانند آن یاری کنید، در این صورت مأمور به کمک او هستید؛بنابر قول رسول الله صلی الله علیه وسلم: «مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می‌بخشند».

حق سوم: «اگر از تو نصیحت طلب کرد، او را نصیحت کن» یعنی: اگر نزد تو آمد و در چیزی از تو نصیحت طلب کرد، او را نصیحت کن؛ زیرا این از دین است،چنان که رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمودند: "دین نصیحت کردن است: برای الله متعال، و کتابش، و رسولش، و امامان مسلمانان، و عموم آنان".

اما اگر نزد تو نیامد تا نصیحت را طلب کند، اگر بر او ضرر و یا گناهی باشد که بر آن اقدام نماید، بر تو واجب است تا او را نصیحت کنی، هر چند او نزد تو نیاید؛زیرا این از زدودن ضرر و منکر از مسلمانان است، و اگر در کاری که انجام می دهد ضرر و گناهی برای او نباشد، ولی تو فکر می کنی که غیر این کار سودمندتر



است، اینجا برای تو لازم نیست به او چیزی بگوئی مگر این که از تو نصیحت طلب کند، پس در این صورت نصیحت لازم می شود.

حق چهارم:

«اگر عطسه زند، و الحمدلله گفت، پاسخ عطسه اش را بده» یعنی: به او بگو: «الله بر تو رحم کند»؛ بابت سپاس از او چون هنگام عطسه پروردگارش را ستایش کرد، اما اگر عطسه کند و ستایش الله را نکند، او حق ندارد، پس نباید پاسخ عطسه برایش گفته شود؛ چون وقتی الله را ستایش نکند، مجازاتش این است که پاسخ عطسه را دریافت نکند.

و اگر عطسه کننده ستایش الله را بجا آورد پاسخ آن واجب است، و بگوید: «یهدیکم الله، ویصلح بالکم» «الله شما را هدایت کند و احوال تان را اصلاح بگرداند».

اگر عطسهٔ او ادامه داشت، و سه بار پاسخ عطسه برایش گفته شد، در بار چهارم برایش گفته شود: «الله به تو عافیت نصیب کند» در عوض این که بگویی: «الله بر تو رحم کند».

حق پنجم: «هنگامی که بیمار شد به عیادتش بروی» و عیادت بیمار: زیارت اوست، و حق او بر برادران مسلمانش است، پس بر آنان واجب است که آن را انجام دهند، هر اندازه بیمار از نظر خویشاوندی، دوستی و یا همسایگی حق بیشتری بر شما داشته باشد، عیادت او بر تو واجبتر است.

و عیادت به حالت بیمار و حالت بیماری بستگی دارد، ممکن حالت بیمار و بیماری نیاز به مراجعه بار بار را داشته باشد، وممکن حالت مراجعهٔ بار بار را نداشته باشد، بنابراین بهتر است شرایط مراعات شود.



و سنت این است کس که بیمار را عیادت می کند: احوال او را بپرسد، و برای او دعا کند، و درب گشایش و امید را بر او بگشاید؛ زیرا این یکی از بزرگترین اسباب سلامتی و شفا یابی است،و توبه را به گونه‌ای به او یادآوری کند که نترسد، مثلاً به او بگوید: در این بیماری خود خیری به دست می‌آوری، زیرا توسط بیماری الله متعال گناهان را کفاره، و بدی‌ها را محو می‌کند، و شاید به علت حبس و محرومیتت و با کثرت ذکر و استغفار و تضرع پاداش فراوان را بدست بیاوری.

حق ششم: «چون فوت شد، در تشییع جنازه اش شرکت کنی». شرکت در تشییع جنازه یکی از حقوق مسلمان بر برادرش است، و در آن ثواب بزرگ است.از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند:

«هرکس در تشیع جنازه ای شرکت کند و تا پایانِ نماز جنازه بماند، به اندازه ی یک قیراط پاداش می یابد و اگر تا خاکسپاریِ میّت صبر کند، پاداش دو قیراط برایش ثبت می شود». پرسیدند: ای رسول الله، دو قیراط چقدر است؟ فرمودند: «همانندِ دو کوه بزرگ».

از جمله حقوق مسلمان بر مسلمان: خودداری از اذیت اوست، زیرا در اذیت مسلمانان گناهی بزرگ است،قال الله تعالی:

﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ٥٨﴾[الأحزاب: 58]

قال الله تعالی: {وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا} [الأحزاب:58].

و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون اینکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند [با اتهامات ناروا] می‌آزارند، بارِ دروغ و گناهی آشکار را به دوش می‌کشند.



به احتمال زیاد، هرکس به اذیت برادرش رو آورد، الله متعال در دنیا قبل از آخرت از او انتقام می گیرد،و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«با یکدیگر بغض و کینه نورزید، و به یکدیگر پشت نگردانید، وبندگان الله و برادران یکدیگر باشید، مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی کند، ودر زمان مشکلات او را تنها رها نمی گذارد، و او را حقیر نمی داند، برای شخص از بدی (همین قدر) کافی است که (فردی) برادر (دینی) خودش را تحقیر نماید، تمام مسلمان بر مسلمان (دیگر) حرام است : (ریختن) خونش (به ناحق)، و(خوردن) مالش (به ناحق) ، و(تعرض به) آبرویش (به نا حق)».

حقوق مسلمان بر مسلمان دیگر زیاد است، اما مفهوم جامع آن می تواند در کلام پیامبر صلی الله علیه وسلم باشد:«مسلمان برادر مسلمان است»،هنگامی که بر اساس این برادری عمل شود، تلاش می نماید تا هر آنچه خیر و بهتر است بخواهد، و از هر آنچه برای او مضر است دوری کند. اما اگر نزد تو نیامد تا نصیحت را طلب کند، اگر بر او ضرر و یا گناهی باشد که بر آن اقدام نماید، بر تو واجب است تا او را نصیحت کنی، هر چند او نزد تو نیاید؛زیرا این از زدودن ضرر و منکر از مسلمانان است، و اگر در کاری که انجام می دهد ضرر و گناهی برای او نباشد، ولی تو فکر می کنی که غیر این کار سودمندتر و اما اهل ذمه، آنان از همه اصناف قبلی دارای حقوق بیشتری هستند و بر آنان نیز حقوقی هست، از آن جهت که در کشورهای مسلمانان زندگی می کنند و با جزیهٔ که می پردازند تحت حمایت و مراقبت مسلمانان می باشند.

ولی امر (حاکم) مسلمانان بر آنان در پیوند به نفس و مال و ناموس به اساس حکم اسلام فیصله کند، و بر آنان حدود را نافذ نماید در مواردی که بر تحریم آن باور دارند، حمایت و عدم اذیت آنان بر وی واجب می باشد تو فکر می کنی که غیر

این کار سودمندتر و اما اهل ذمه، آنان از همه اصناف قبلی دارای حقوق بیشتری هستند و بر آنان نیز حقوقی هست، از آن جهت که در کشورهای مسلمانان.

*

حق دهم: حق غیر مسلمانان

غیر مسلمانان شامل همه کافران می شود، و آنان به چهار قسم هستند: (حربیّون) رزمندگان - جنگجویان-، (مستأمنون) - با کسر میم- امنیت طلبان، (معاهدون) معاهدان، و (ذمّیّون) اهل ذمه.

اما جنگجویان هیچ گونه حق حفاظت و رعایت بالای ما ندارند.

و اما امنیت طلبان، حق حمایت از ما را در زمان و مکان مشخص شده برای تأمین آنان را دارند؛ بنابر قول الله متعال:

﴿وَإِنۡ أَحَدٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٱسۡتَجَارَكَ فَأَجِرۡهُ حَتَّىٰ يَسۡمَعَ كَلَٰمَ ٱللَّهِ ثُمَّ أَبۡلِغۡهُ مَأۡمَنَهُۥۚ...﴾ [التوبة: 6]

. {وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلاَمَ اللّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ} الآية [التوبة:6].

و [ای پیامبر،] اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست، پناهش بده تا سخن الله را بشنود؛ سپس او را به محل امنش برسان.

اما معاهدان، در قبال آنان باید به عهد خود وفا کنیم تا زمانی که میان ما و آنان توافق شده است، تا زمانی که در عهد خود با ما صادق باشند، چیزی از ما چیزی کم نکنند، کسی را بر ضد ما یاری ننمایند، و بر دین ما طعنه وارد نکنند؛ زیرا الله متعال می فرماید:

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ثُمَّ لَمۡ يَنقُصُوكُمۡ شَيۡـٔٗا وَلَمۡ يُظَٰهِرُواْ عَلَيۡكُمۡ أَحَدٗا فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيۡهِمۡ عَهۡدَهُمۡ إِلَىٰ مُدَّتِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٤﴾[التوبة: 4]

{إِلاَّ الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُواْ عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّواْ إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِين} [التوبة:4] ،

مگر کسانی از مشرکان که با آنان پیمان بسته‌اید و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده‌اند و کسی را علیه شما پشتیبانی نکردند؛ پیمان آنان را تا پایان مدتشان به پایان برسانید [که] بی‌تردید، الله پرهیزگاران را دوست دارد.وقوله:

﴿وَإِن نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُم مِّنۢ بَعۡدِ عَهۡدِهِمۡ وَطَعَنُواْ فِي دِينِكُمۡ فَقَٰتِلُوٓاْ أَئِمَّةَ ٱلۡكُفۡرِ إِنَّهُمۡ لَآ أَيۡمَٰنَ لَهُمۡ لَعَلَّهُمۡ يَنتَهُونَ ١٢﴾[التوبة: 12]

و این قول الله متعال: {وَإِن نَّكَثُواْ أَيْمَانَهُم مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُواْ فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُواْ أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لاَ أَيْمَانَ لَهُمْ} الآية [التوبة:12].

و اگر [تعهد و] سوگندشان را پس از پیمان خویش شکستند و در دینتان طعنه زدند، با پیشوایان کفر بجنگید؛ زیرا آنان را [نسبت به پیمان‌هایشان] هیچ تعهدی نیست.

و اما اهل ذمه، آنان از همه اصناف قبلی دارای حقوق بیشتری هستند و بر آنان نیز حقوقی هست، از آن جهت که در کشورهای مسلمانان زندگی می کنند و با جزیهٔ که می پردازند تحت حمایت و مراقبت مسلمانان می باشند.

ولی امر (حاکم) مسلمانان بر آنان در پیوند به نفس و مال و ناموس به اساس حکم اسلام فیصله کند، و بر آنان حدود را نافذ نماید در مواردی که بر تحریم آن باور دارند، حمایت و عدم اذیت آنان بر وی واجب می باشد.



آنان باید در لباس خود از مسلمانان متمایز شوند، و چیزی که در اسلام منکر پنداشته شده آن را آشکار ننمایند، و یا چیزی از شعائر دینشان را، مثل ناقوس (زنگ) و صلیب، و احکام اهل ذمه در کتاب های اهل علم موجود هست که در اینجا به آن نمی پردازیم.

والحمد لله ربّ العالمين، وصلى الله وسلم على نبيّنا محمّد وعلى آله وصحبه أجمعين.

نوشتۀ فقیر به الله متعال

محمّد الصّالح العثيمين

*

فهرست